



ملاکات

در حوزه شعرت پای مقاومت

باری
تورا به کدامین دیار عشق
سوی مذبذب اخلاص می برند
که دارهای بلند نجابت
از عطر حلاج و میثم آکنده است
تو عطر عاطفه «دار» را
انسان به استغاثه نفسی
که استخاره به نام بلند و نامی تو

قرعه شهادت زد
تواز صحابه میلاد باستانی عشقی
و منار به استجابت امر
آن چنان نجیباتر هسپار شدی
که هاجر از دل شفاف آن سوی زمزم
نگاه خود برداشت
از گلوی اسماعیل
نامت سرسبز عشق
بر کدامین رفیع
خیمه زده است
که ققنوس

در سایه سارت آسوده است؟
و خون عاشق تو
در کدام عاشورا
در آرزوی کدامین وصال
این چنین به سجده نشست
که بر صلابت «هل من» مولا
خریر پاسخ تو
عاشقانه پیچیده است.

نمادها، همواره در دو حوزه معناگرایی و تصویرآفرینی نقشی عمیق داشته‌اند و همین دو خصلت ارزشمند ادبی، سبب شده است تا نمادها در ساز و کار سراینده‌گی، به شکلی کارآمد مورد توجه قرار گیرند. شاعران شعر سبید پایداری نیز برای رهایی از ورطه شعارزدگی، راهی جز تمسک به نمادهای گوناگون نیافتند و به این ترتیب با به کارگیری نمادها، تداعیهای پر رمز و رازی را در حوزه‌های تمثیلی یا زمینه‌های فرهنگی، آیینی و تاریخی ایجاد نمودند و به شیوه سمبلیک نزدیک و نزدیک‌تر شدند.

حوزه تمثیلی شعر پایداری، آن گاه که عناصر نمادین خود را از محیط پیرامون وام می‌گیرد و به تقویت و گسترش هر چه بیشتر عنصر خیال می‌پردازد، کلام را از سطح نازل نثر به سطح عالی شعر، ارتقا می‌بخشد. در این میان تمثیلهای آیینی و تاریخی در غنای اندیشه شاعران و پیوند آنها با ملیت و دین مؤثرتر بوده‌اند و سراینده‌گان توانسته‌اند الگوهای دیروزین تاریخ و دین را با واقعیت‌های امروزین جنگ پیوند زنند.

نمادهای دینی به لحاظ ماهیت مذهبی انقلاب و تأکید شاعران بر محتوای غنی فرهنگ اسلامی نسبت به نمادهای حماسی، نمود بیشتری دارند. در ضمن شاعران در پرداختن به این گونه نمادها وجه تحریکی و تشجیعی آنها را همواره مد نظر داشته‌اند.

در سروده‌های که در ادامه این مبحث می‌آید همدستی نمادهای دینی، عرفانی، تاریخی و ادبی، شعر را به شیوه‌ای نمادین یا زنجیره‌ای از تداعیهای معهود از سطح شعار صرف بالاتر برده و موجب فخامت کلام شده است.

تجارب لشکر متجاوز نعت و فاعل و غارت مردم بی گناه در روزگار مادیگری گستر
از حاکمیت تاریخی و بی رحمانه تحول نیست این تجاوز آشکار و بی حد عمیق آن
جنایت ایلجیان نمودن با افزایش آرد در شهری که در جامه می آید «بمورد
تاریخ» شاعر سینه گوی جنوبی، سبکهای تاریخی تجاوز را با آهوه های انزوی
آن بر بر می برد و حکایتها می گوید را دیگر بر روایت می کند
بر فرودهای خونین سپهر

ایلجیان

شمسیرهای خون چکان را

میقل می دهند

و پاشای جنگجوی را تکرار می کنند

در بستوی تاریک

دختران

جهانبیخسار هایشان را

در خسوفی تاریک

شکار می کنند

بر فرودهای خونین سپهر

ایلجیان

سر مظهران را بر دار می کنند

زمینه های بنیادش نمادها در شعرهای دفاع مقدس ضمیمه است، یکی از
عوامل ایجاد آن در شعر دفاع مقدس، خصلت ذاتی سمبل است، تصویر
هنگامی در شعر به وجود می آید که ما به دنبال تیب سازی باشیم به این
معنا که چون سمبلها نماینده تلویحی و بلا فصل معانی و اشیا هستند
لذا می توانند معرفت گروه یا تیب ویژه و یا معانی پیچیده ناشناخته و انبوهی
باشند. «چون انشایی بی شماری در وری فهم انسان قرار دارند ما بیرون
اصطلاحات سمبولیک را به کار می بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که
نمی توانیم تعریف کنیم یا کاملاً آن را بشهیم این یکی از دلایلی است که
به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور نمولیک به کار می برند» مفاهیمی
از قبیل شهادت، شهید، روح و... که به نحوی جنبه انسانی و تجربی
آنها بر جنبه های مادی شان من جزئی همه و همه از عوامل وجودی بنیادین
کلام سمبولیک و نمادین شعر دفاع مقدس است.

ضرورت دیگری که در شعر جنگ موجب شد تا سربازان مفاهیم
نمادین را در سروده هایشان بیشتر کنند جنبه زیبایی شناسی کلام و ارزش
هنری آن بوده است چرا که شعر جنگ در سالهای نخستین به ورطه شعار و
گم رنگی خیال، سقوط کرده بود و تقابل معنا و محتوای عمیق آن در طرف
کم حجم و بی زرفای کلام شاعران نمی گنجید تغییر تازه سربازان شعر
دفاع مقدس، مخصوص در قالبهای نو اعم از نعتی و سپیده ارتقای کلام
به سمت افقهای تحلیلی بود یکی از راههای بنیادین و تثبیت و رواج
خیال شاعرانه، کاربرد کلام نمادین و پررنگ و راز در شعر می باشد.

نمادها در دایره تکوینی خود چیزی فراتر از یک واژه نیستند اما می توانند با
یافته های متعدد علوم انسانی و حتی غیر انسانی نظیر اساطیر و تمثیل و اتمی
متمایب و کاربردی، برقرار سازند. اسطوره ها و تمثیلهای در تفسیر زندگی و
تأویل شدن خصلت نمادگون دارند.
شاعران در شعر دفاع مقدس هم نمادهای عمومی و تکراری و هم
تمثیلهای خصوصی را به کار می برند و البته به توانی قدرت خیال خود
از استخفاف و به کارگیری اقسام گوناگون نمادها بهره برده اند.

اختصاصی در شعر شاعرانی چون محمدحسین عبدالملکیان، عبدالرضا
رضایی، نادر نوبختی، میرزا کاظم حسینی، سلطان حرانی، علی رضا فروغی
ظاهر و صفارزاده، م. مویده علی نوبختی، کریم زوی و شاعران جوان تری که
بعدها به کاروان شعر دفاع مقدس ملحق شدند چشمگیرتر و از کارهای بیشتر
و پرهیزی برخوردارند. صفای رضا رضایی، ناصر سید، فرشته یوسفی
ضمن توصیف جنبه های جنگ، سعی بر استخفاف متکر عرفانی وصال به
محبوب و بسط رمزگشایی اندیشه شهادت طلبی داشته است.

مخاطب

فرشته یوسفی

خاکریز

عاشقانه

و شکر خور بر رویا

از بلکادر می گذرد

و از کعبه می گنج

در اضطراب نفس

زادگان

هر آنان بهمنگانه

ایمان را در کعبه دادند

تقصیر من بود

با ایلجیان استخوان

چرا که سینه های من

باز می کشد

بر من می کشد

بر من می کشد

تا در کعبه می کشد

در آنجا که

شاعران با کاروان شعر یا بهره گیری از کهن الگوی فرشته، در ابتدای شعر
و سبک شاعرانه دیگر بنیادین انسان که در روایت قرآنی آن، با سجده آدم
بر روی کعبه جهانبیخسار که فرشته می خواهد اخلاص عاشقانه رزمندگان را با
کلامی نمادین و طبع تکوینی به تصویر بکشد به نظر می رسد که مراد از
سجده شکر و عاشقانه بر معنای اخلاص عاشقانه شکر و صاف شدن آنها
بر آن اشعار جان کعبه ای است و تا آنکه نیز باشد این بار خاکریزها به متحده
می روند و خاکریزها خود را در آنجا نهادن معنای و شخصی که در بازگشت
محبوب به جنگ می باشد خاک در کعبه عرفانی جایگاهی والا دارد و در گذشته
قصه حضرت با وجود آنست و این عناصر چهارگانه هستی اند مولانا در غزلی زیبا
بیونانی رمز آلود چون خاکریز کعبه حسینی من رمزگشای ایجاد می کند که در جای
خود می تواند مرثیه های فرشته و قلای بالله یا سبایان سازد

و آنکس که از کعبه بر آید

از آن گران بوی حسینی فراید

صدا جو زوی عشق آن بخت

هفتان عشق اگر چه کم است

بمهر حسینی واصل من من عشق

بگوار می به جو حسینی جان

لحمی نمادگرای در شعر جنگ مقاومت و متبوع است گاه نمادها از



The page contains dense, illegible text, likely a list or index, with a high level of contrast and noise. The text is arranged in two main columns, with a header section at the top. The content is too degraded to transcribe accurately.

